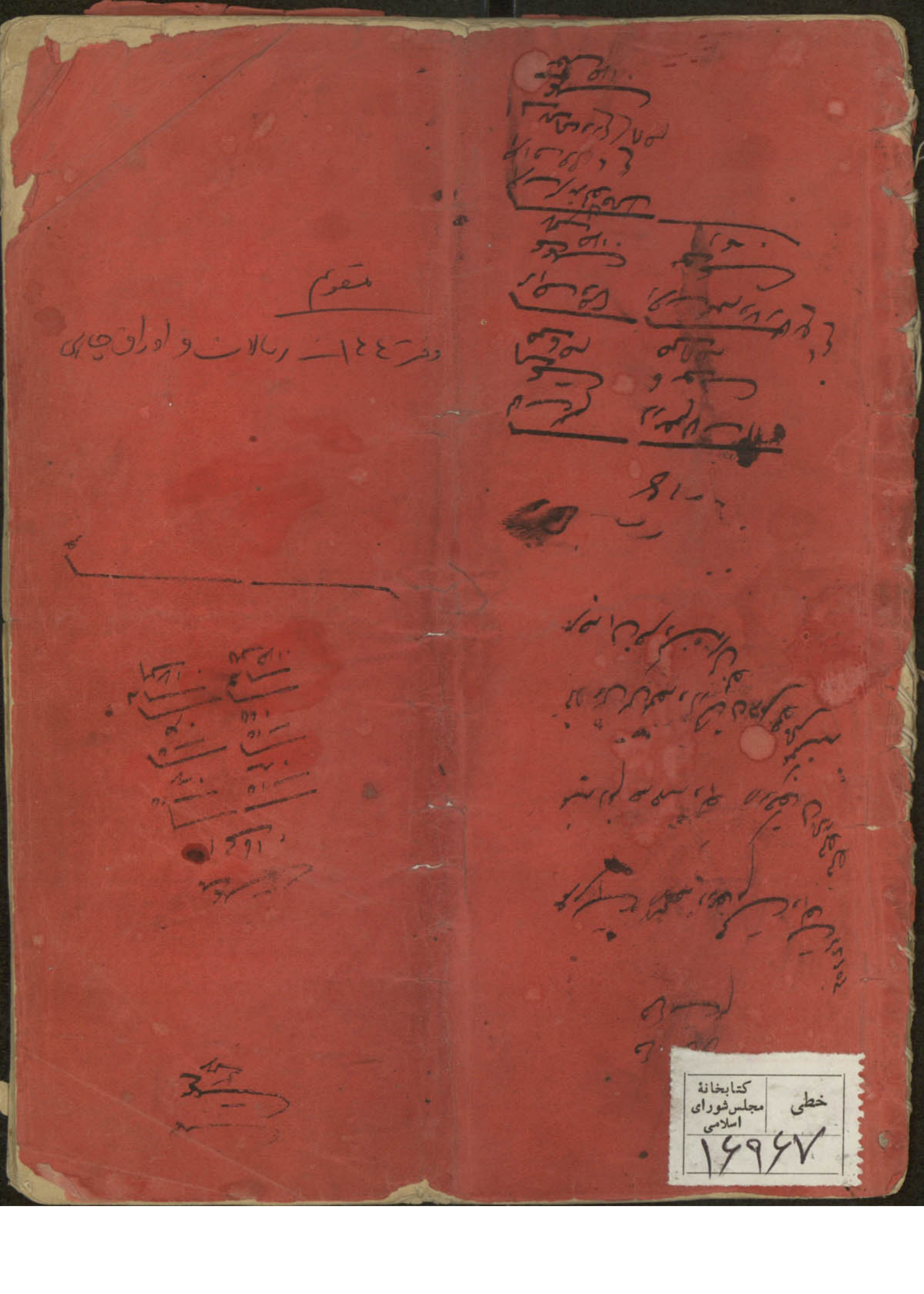
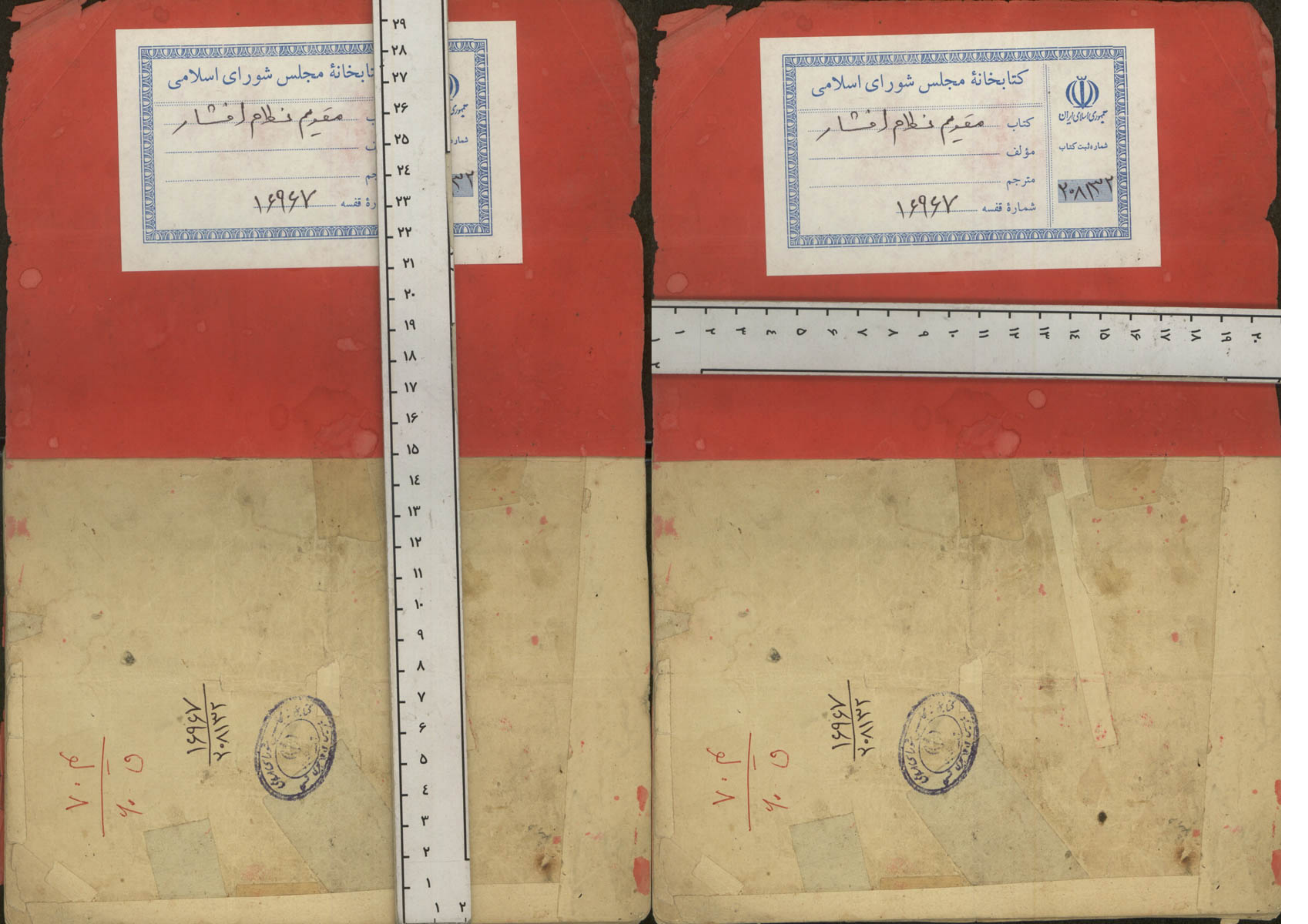

دفتر ۱۴۴ رسالات و اوراق چاپی


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب ۲۰۸۱۳۲
کتاب مقدم نظام افشار
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۹۶۷
۱۶۹۶۷
۲۰۸۱۳۲


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب مقدمهٔ منظوم افشار
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۹۶۷
شمارهٔ ثبت کتاب ۲۰۸۱۳۲
۱۶۹۶۷
۲۰۸۱۳۲



۲

جدول معرفت اختلاجات جانب یسار

ابرو	بالای چشم	زیر چشم	گوش
رخصت یافتن	سرمه کشیدن		برهم زدن
سر	پشت سر	دماغ	پیشانی
[illegible]	به کفش	[illegible]	[illegible]
گردن	کتف	بازو	دست
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
انگشت	دهن	چانه	غبغب
رسا زدن	سیر کردن	برگشتن	[illegible]
پشت	شکم	ناف	پهلو
[illegible]	بر دردن	[illegible]	[illegible]
ذکر	خایه	مقعد	ران
اولاد	مالیدن	[illegible]	[illegible]
ساق	پاشنه	پای	لب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دندان	زبان	بناگوش	سینه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول معرفت اختلاجات الاعضا

ابرو	بالای چشم	زیر چشم	گوش
اشاره	[illegible]	قطع صورت	بحرف دادن
سر	پشت سر	دماغ	پیشانی
[illegible]	نیت کردن	[illegible]	بلند رحمتی
گردن	کتف	بازو	دست
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
انگشت	دهن	چانه	غبغب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پشت	شکم	ناف	پهلو
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذکر	خایه	مقعد	ران
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ساق	پاشنه	پای	لب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دندان	زبان	بناگوش	سینه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

۳

اتفاقات که در مدت عمر از برای هر کسی یکمرتبه واقع میشود که دفعه ثانی او امر محال است

سمت ذکور				سمت اناث		
تولد	ناف بریدن	آبله	سرخچه	تولد	ناف بریدن	آبله و سرخچه
ختنه	مرگ	[illegible]	[illegible]	رفع بکارت	حیض اول	مرگ

تقیه و ملزومات رفتن بحمام [illegible] که در جنب امامزاده یحیی علیه السلام واقع است

۵

هو العلیم الحکیم اوضاع و احوال کواکب همه در نگاه و بدلالت کنند بر سلامت وجود مبارک شاهنشاهی و قوت حال سپاهی و علت ناب
و حرمت شراب و ترشی قند و شوری نمک و ترشی سرکه و تلخ زهر [illegible] و سختی سنگ و سستی شیشه و سردی یخ و گرمی آتش و سفیده صبح و تباشیر سیاه
شب و زغال و زرد زردی ... [illegible] ... مردم و کشیدن چند فرقه
چند چیز مشعود را ... صورت [illegible] ... را خروس ... تو عرض
بار را احوال حجت ... اهل کمال ... بعضی از ... ابنای زمان ... در مثال من

شعبان المرجب

انجمنها در طهر ... شهنشاه جهان ... سماء جمال ... گرد کلفت ... بنماید

ایام		روز	متفرقه
[illegible]	[illegible]		نیک است ... روز ... [illegible]
	[illegible]	۲	از ایام منحوسه است ...
[illegible]	[illegible]	۳	نیک است اختلاف ... [illegible]
	[illegible]	۴	از ایام نحس است ترک ... [illegible]
	[illegible]	۵	نیک است بازی ... [illegible]
[illegible]	[illegible]	۶	نیک است ... خراب کردن سعد
	[illegible]	۷	نیک است ... خناق کردن سعد
	[illegible]	۸	بجز ملعنت و ... مردم خوری مناسب امروز نیست
[illegible]	[illegible]	۹	نیک است زیاده کردن ... دیوانه شدن سعد
	[illegible]	۱۰	از ایام نحس است بجز سفر کردن ... [illegible]
[illegible]	[illegible]	۱۱	بجز پول ... [illegible] ... مناسب امروز نیست
	[illegible]	۱۲	مانند روز آینده است
[illegible]	[illegible]	۱۳	نیک است فحش دادن و ...
	[illegible]	۱۴	نیک است وسوسه و شیطنت و خباثت
[illegible]	[illegible]	۱۵	نیمه شعبان

۴

فاجعه در روز ... [illegible] ... در خانه مجوس ... بدولت
درس ... [illegible] ... ضعف
... [illegible] ... درحوالی
بازار ... [illegible] ... الله
فاری ... [illegible] ... و خیال

بقیه شعبان المرجب

ایام	روز		متفرقه
[illegible]	۱۶		نیک است ... خضاب کردن و حنا خوردن را
[illegible]	۱۷	[illegible]	از ایام ... بجز شراب خوردن ... [illegible]
[illegible]	۱۸	[illegible]	نیک است ... [illegible]
[illegible]	۱۹		بجز ... قطع ... امروز ...
[illegible]	۲۰	[illegible]	بجز ... [illegible]
[illegible]	۲۱		چون قمر در برج ... [illegible]
[illegible]	۲۲	[illegible]	بجز ... [illegible] ... نیست
[illegible]	۲۳		نیک است ... خوردن ... [illegible]
[illegible]	۲۴	[illegible]	نیک است ... [illegible]
[illegible]	۲۵	[illegible]	نیک است ... کردن سعد
[illegible]	۲۶		بجز ... امروز ...
[illegible]	۲۷	[illegible]	نیک است ... سعد
[illegible]	۲۸	[illegible]	نیک است ... [illegible]
[illegible]	۲۹		بجز ... امروز ...
[illegible]	۳۰	[illegible]	وفات ... [illegible]

هو العلیم الحکیم اوضاع و احوال کواکب خمسه در ماه و دلالت کند بر ارتفاع شأن شاهنشاه اسلام و مجد وزرای عظام بر فطانت خواص و [illegible] عوام
و خشکی بحال و گرمی حمام و سرخی خون و سیاهی سودا و سفیدی بلغم و زردی صفرا و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] عسس و حلاوت
عسل و مرارت حنظل و صباحت مردان و قباحت پیرمردان و لطافت آب [illegible] معروف فخر الدوله [illegible] خاصه در [illegible]
و [illegible] و روشنی [illegible] و [illegible] اسلام و [illegible] و گرمی برگ و [illegible] و [illegible]
و کاهی در اعتدال هوا و [illegible] و در وقت حمل [illegible] و [illegible] پریشان روزگار [illegible] شدت [illegible] و در حساب

التوقیعات		روز	رجب الثانی [illegible]						
[illegible]	[illegible]	ا	نیک است از مکتب گرفتن اطفال [illegible]						
[illegible]	[illegible]	ب	در غفلت از امانت خاصه از خوردن [illegible]						
[illegible]	[illegible]	ج	مانند دیروز است						
[illegible]	[illegible]	د	از ایام نحس است [illegible] کو [illegible]						
	[illegible]	ه	نیک است در [illegible] و [illegible]						
[illegible]	[illegible]	و	نیک است تب کردن [illegible] خوردن [illegible]						
[illegible]	[illegible]	ز	نیک است [illegible]						
[illegible]	[illegible]	ح	بجز [illegible]						
[illegible]	[illegible]	ط	[illegible]						
[illegible]	[illegible]	ی	نیک است دروغ گفتن و فحش دادن [illegible]						
[illegible]	[illegible]	یا	از ایام نحس است [illegible]						
	[illegible]	یب	نیک است [illegible]						
[illegible]	[illegible]	یج	نیک است [illegible]						
	[illegible]	ید	مانند روز گذشته است						
[illegible]	[illegible]	یه	بجز [illegible]						

کثرت مرض ذات الجنب و آبله و [illegible] معتدل شدن آفتاب [illegible] آسمان [illegible] ضعف [illegible] کثرت [illegible]
و [illegible] و [illegible] و درد [illegible] و زکام شدن [illegible]
و [illegible] زدن لب [illegible] چشم [illegible] و کور شدن چشمهای [illegible]
و مکلف شدن خواجه سرایان و [illegible] نرگس [illegible] سلطان شکوفه کردن درختهای بید و [illegible] سرد [illegible]
و [illegible] که [illegible] در علم فصاحت [illegible] مردم [illegible]

التوقیعات						بقیه رجب الثانی تحویل شمس [illegible]	روز					
						نیک است [illegible]	یو	[illegible]				
[illegible]						نیک است [illegible] معشوق [illegible]	یز	[illegible]				
						بجز [illegible]	یح	[illegible]				
[illegible]						نیک است [illegible]	یط	[illegible]				
[illegible]						[illegible]	ک	[illegible]				
						بجز [illegible]	کا	[illegible]				
[illegible]						نیک است [illegible] عشق [illegible]	کب	[illegible]				
[illegible]						نیک است جفا [illegible]	کج	[illegible]				
						[illegible] از امانت خاصه از مصاحبت [illegible]	کد	[illegible]				
[illegible]						نیک است از [illegible]	که	[illegible]				
						مانند همیشه است	کو	[illegible]				
[illegible]						نیک است [illegible]	کز	[illegible]				
						بجز [illegible]	کح	[illegible]				
[illegible]						[illegible]	کط	[illegible]				
[illegible]						احتمال [illegible]	ل	[illegible]				

هو العلیم الحکیم اوضاع و احوال کواکب [illegible] در این ماه دلالت کند بر فصاحت [illegible]
و [illegible] و [illegible] ترک [illegible]
ابو الفضل [illegible] و اتفاق حرب و [illegible] شیرازی و [illegible]
و [illegible] و [illegible] معروف و [illegible]
[illegible] الناس و [illegible] حضرت [illegible]

التوقیعات		روز	رمضان الحرام هلال [illegible]					
	[illegible]	ا	بجز [illegible] روزه خوردن [illegible]					
[illegible]	[illegible]	ب	نیک است مال مردم خوردن و گوش بریدن و [illegible]					
	[illegible]	ج	نیک است [illegible] و مصاحبت با اهل طرب					
	[illegible]	د	بجز [illegible]					
[illegible]	[illegible]	ه	نیک است [illegible]					
	[illegible]	و	نیک است [illegible]					
	[illegible]	ز	مانند آینده است					
[illegible]	[illegible]	ح	بجز [illegible]					
	[illegible]	ط	[illegible]					
	[illegible]	ی	از ایام نحس است [illegible]					
[illegible]	[illegible]	یا	نیک است [illegible]					
	[illegible]	یب	نیک است [illegible]					
	[illegible]	یج	[illegible]					
[illegible]	[illegible]	ید	بجز [illegible]					
	[illegible]	یه	بجز [illegible]					

[illegible] و کم [illegible] فانوس [illegible] روس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

التوقیعات						بقیه رمضان الحرام	روز					
[illegible]						نیک است [illegible] را	یو	[illegible]				
						بجز لباس [illegible]	یز	[illegible]				
						نیک است [illegible]	یح	[illegible]				
[illegible]						نیک است [illegible]	یط	[illegible]				
						بجز [illegible]	ک	[illegible]				
						نیک است عاشق بودن [illegible]	کا	[illegible]				
[illegible]						نیک است [illegible]	کب	[illegible]				
						بجز [illegible]	کج	[illegible]				
						نیک است [illegible]	کد	[illegible]				
[illegible]						[illegible]	که	[illegible]				
						نیک است [illegible] را	کو	[illegible]				
[illegible]						نیک است معشوق [illegible]	کز	[illegible]				
						[illegible]	کح	[illegible]				
						بجز [illegible]	کط	[illegible]				
[illegible]						وفات [illegible]	ل	[illegible]				

هو العلیم الحکیم — اوضاع فلکی درباره دولت که پس از دعای حضرت شاهنشاه بروفق عجم و اتفاق عرب و روشنی روز و تاریکی شب [illegible]

بیمار مو درهم [illegible] و قوت لهو و لعب و غفلت طرب نزدیکی نوشان [illegible] و دوری حبیب حلال زادگی بی‌رغبت [illegible] با اهل [illegible]

[illegible] مهر سیه‌کاران [illegible] کردن کلفت در غیبت حلواخوران از حلوای مفت سررشته [illegible] تجارت [illegible] با عقل [illegible]

روزی فرنشی و نجابت ابلهان [illegible] و سکوت [illegible] فضول و نفرت [illegible] زیر تنزل پول [illegible] بسیار در معامله رئیس الملل و ثروت

و کثرت ناموس در طایفه کولی و قزلباش احتراز پسران [illegible] از [illegible] دختران [illegible] سالها از صحبت شوهر نفرت [illegible] از [illegible] و [illegible]

شوال الاول
بدانکه اجتماع نیرین [illegible] در شنبه بعد [illegible] تمام [illegible]
ملک است روز حلول جشن [illegible] در ماه تمام صورت جانانه [illegible]
ملک است خوش سلیقه بودن و تمیز صورت [illegible] شدن
بجز فرمان [illegible] در صحبت [illegible] نیست
ملک است رضا و تسلیم برغبت [illegible] الرحمه [illegible]
ملک است در زمان فراق [illegible] و نسیم سحری شرح حال خود [illegible]
بجز دو حال امری مناسب نیست
مانند گذشته است
ملک است [illegible] آهوی چشم [illegible] بابا [illegible] شدن
ملک است هوس زنجیر گیسوی [illegible] دیوانه شدن
ما هم زلف تو خواهیم [illegible] همه آزاد [illegible] خواهد [illegible]
بجز اینگونه دیوانه شدن [illegible] زنجیر [illegible] خود [illegible]
ملک است [illegible] دوشیده [illegible]
ملک است امورات روز گذشته و آینده [illegible]
بجز [illegible] رقیب و [illegible] جیب مناسب نیست
مانند همیشه است

[illegible] و مواجبات در حالت [illegible] هرکس [illegible] بر جمع مکنت و مال [illegible] خدای میرزا [illegible]

و ثروت [illegible] رضاقلیخان عرب [illegible] شیخ عبدالله [illegible] اداره [illegible] از صورت دایره [illegible] نفرت

[illegible] و محمد [illegible] پسر [illegible] حاجب الدوله [illegible] حرص [illegible] ساده [illegible]

هیئه شوال الاول
تحویل شمس [illegible]
ملک است در [illegible] از [illegible] بر پادشاه [illegible] حضرت سلطان [illegible]
ملک است چاره [illegible] حضرت شاه [illegible]
ملک است عرض حال [illegible] عروس [illegible]
بجز اجابت [illegible] عشاق و چاره [illegible]
ملک است [illegible] شاه [illegible] کردن و [illegible]
ملک است پس از [illegible] غزل [illegible]
از [illegible] و [illegible]
[illegible] در عوض [illegible]
بجز [illegible] و [illegible] نیست
ملک است عقد [illegible] پیدا کردن [illegible]
ملک است [illegible]
بجز [illegible] ارباب حاجت [illegible]
ملک است [illegible] حضرت شاه [illegible]
[illegible] سعادت [illegible]
[illegible] سلامت [illegible]

هو العلیم الحکیم — اوضاع فلکی درباره دولت که [illegible] مجانین [illegible] اهل هوش [illegible] چشم [illegible] گوش [illegible]

[illegible] و هوش [illegible] خوری [illegible] فروش [illegible] خوردن و [illegible]

[illegible] میرزا [illegible] صفهانی [illegible] چشم [illegible]

[illegible] خواب [illegible] خانه [illegible]

[illegible] خیلی [illegible]

[illegible] خبر [illegible] مرحوم [illegible] میرزا [illegible]

ذیقعدة الحلال
هلال [illegible]
ملک است [illegible] حکومت [illegible]
بجز دفع شر [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible] حضرت شاه [illegible]
ملک است عینک زدن و [illegible] شدن [illegible] را
بجز اعراض از تکالیف [illegible]
ملک است [illegible] زلف [illegible] را
ملک است [illegible] خنجر مژگان [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
بجز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

هیئه ذیقعدة الحلال
تحویل شمس [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
هر شب همین طور است
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
از [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
ملک است [illegible]
بجز [illegible]
ملک است [illegible]
[illegible] قریب است

هو العلیم الحکیم اوضاع و احوال فلک در ماه دلالت کند بر سلامت مزاج همایون شاهنشاه اسلام و عدالت وزرای عظام و ترشی خوره و شیرینی انگور و تمارکی بقال و روشنی بلور و ارزانی پوستین و گرانی خرقه سمور و نشر بابوق و خروش شپوره و کوچکی نارستان و رشد کمان [illegible] و درشتی [illegible] و بلندی های [illegible] ذکر یعنی کنک و چنگ آید و چرب و نرمی کلوله و گردکان و درازی [illegible] و ارزانی [illegible] پیاز و گرانی ترشی [illegible] و زبان و گردکان ترس [illegible] آلو [illegible] و چشم و آوردن [illegible] نرگس [illegible] و آفت [illegible] و قرائت تورات و بی اعتنائی کارگذاران و ویرانی [illegible] کثرت [illegible] زمین [illegible] و [illegible] ابر در حب دادن [illegible]

		ذیحجة المظفر هلال انشا الله سیزدهم از طرف ما بین مشرق و شمال در برج حوت هویداست		
	۱	نیک است دمل در آوردن و درد دندان و آب نبات [illegible]		
	۲	نیک است از خواب عدم ترتیب [illegible] سیگار و خوض [illegible] [illegible] و در مو [illegible] بی بهره بودن		
	۳	بحر و کس برادر کشتن زدن و براهین [illegible] شلوار [illegible]		
	۴	نیک است مانند [illegible] بولدار [illegible] [illegible] منصب دادن		
	۵	بجز [illegible] [illegible]		
	۶	نیک است مانع خطیر [illegible]		
	۷	مانند هر ساله است		
	۸	نیک است فضول بودن چشم از شرم حضور [illegible]		
	۹	بجز مانند طفل [illegible]		
	۱۰	نیک است در مجلس [illegible]		
	۱۱	نیک است حرف راست زدن و گرسنه بودن		
	۱۲	بجز آنکه گرسنه [illegible] خوردن و چای [illegible] امر شاه		
	۱۳	از تاریخی است بجز [illegible]		
	۱۴	بجز [illegible]		
	۱۵	سیم ندارد		

واسهال خوردن [illegible] و اسهال گرفتن [illegible] و مقرض شدن زمین و زمین خوردن حکیم معرفت یزدی و آب شدن یخ و آتش گرفتن باروت و خاک شدن جنازه و [illegible] کردن مستبع [illegible] کثرت جمعیت روس و تفوق جماعت [illegible] لشکر بر روس [illegible] و [illegible] گرفتن [illegible] تازه به دولت رسیده گان و جناب میرزا [illegible] [illegible] ملک الملوک [illegible] و تضعیف [illegible] [illegible] [illegible] گاو [illegible] که اجداد ما از و [illegible] شدن [illegible] حبیب الله [illegible] هو الله المستعان

	بقیه ذیحجة المظفر تحویل شمس به برج حمل [illegible] ساعت [illegible] گذشته		
	نیک است روز [illegible] [illegible]		
	نیک است [illegible] و زنان [illegible]		
	از ایام نحس است بجز شیطان [illegible]		
	نیک است روزه [illegible]		
	بجز [illegible] و [illegible] امر شاه		
	نیک است [illegible] [illegible]		
	نیک است [illegible] سو		
	مانند ایام گذشته و آینده [illegible]		
	از ایام نحس است بجز [illegible]		
	نیک است [illegible]		
	از ایام نحس است بجز [illegible]		
	مانند پارسال است		
	از ایام نحس است بجز [illegible]		
	نیک است [illegible]		

و سبک و رتبه [illegible] ماه جلالی تنگی دست مردمان بی عقل [illegible] و لا ابالی و وسعت بیابان حرف مفت زنی و شیطان خیالی فلک با مو [illegible] و منصب و دواق و فور بیکاری و فعلگی و حمالی و فور وقلت [illegible] تنگی و وسعت [illegible] و ندامت [illegible] از خونریزی [illegible] از کسب و معامله و بی اعتنائی [illegible] جناب ملک الشعرا [illegible] گال [illegible] حسنعلی خان [illegible] مروت و انصاف در بقال و علاف و [illegible] صحاف [illegible] [illegible] [illegible] الناس [illegible] و الناس

	بقیه محرم المبارک		
	نیک است [illegible] خضاب کردن و حنا گذاشتن را	۱۶	
	نیک است [illegible] و بیرون [illegible] لباس [illegible]	۱۷	
	از ایام نحس است بجز [illegible] استخراج کردن و دروغ گفتن امر شاه	۱۸	
	ترک طلب امور اول است خاصه [illegible]	۱۹	
	نیک است حامله شدن و آب در آوردن و [illegible] کردن را	۲۰	
	نیک است [illegible] خوردن [illegible]	۲۱	
	بجز کار [illegible] روزه کردن امر شاه	۲۲	
	نیک است [illegible]	۲۳	
	مانند آینده و گذشته است	۲۴	
	نیک است شب [illegible] ماه رمضان [illegible]	۲۵	
	نیک است [illegible] و [illegible] نشستن	۲۶	
	نیک است قطع [illegible] خراب کردن [illegible]	۲۷	
	نیک است [illegible]	۲۸	
	بجز شیطان [illegible] امر دیگر مناسب نیست	۲۹	
	[illegible]	۳۰	

هو العلیم الحکیم اوضاع فلک در ماه دلالت کند بر سعادت وجود همایون شاهنشاه و عدالت وزرای عظام و سختی اعتقاد و سختی دل و صافی آب و صفای گل و [illegible] و [illegible] جهل و تیزی کارد و تندی فلفل و ارزانی [illegible] و گرانی [illegible] و [illegible] گردکان و درازی طناب و [illegible] سفره و ارتفاع مناره و عمق چاه و استقامت خط و موهومی نقطه و حدوث ضلع از نقطه زاویه و رعایت شعرا [illegible] گردی خط محیط دایره و درازی [illegible] [illegible] شتر [illegible] پهلوان [illegible] شمالی و اول [illegible] [illegible] القادر [illegible]

		محرم المبارک		
		نیک است [illegible]	۱	
		از ایام نحس است بجز [illegible] امر شاه	۲	
		نیک است [illegible]	۳	
		نیک است [illegible]	۴	
		نیک است [illegible]	۵	
		از ایام نحس است بجز [illegible]	۶	
		[illegible]	۷	
		بجز [illegible]	۸	
		بجز [illegible]	۹	
		نیک است [illegible]	۱۰	
		نیک است [illegible]	۱۱	
		نیک است [illegible]	۱۲	
		نیک است [illegible]	۱۳	
		بجز [illegible]	۱۴	
		[illegible]	۱۵	

هو العلیم الحکیم — اوضاع و احوال فلکی در پناه و عدالت کند [illegible] خوشبوئی القوزه [illegible] کل [illegible] سنبل کثرت ارباب
کمال و فراغت [illegible] بیک اردبیلی معروف [illegible] از مقامات علم و شروع [illegible] و عاجز و مشغول شدن محمدخان زرزا و با میرزا آقای ملکی از مفتی و قوانین و معمول و [illegible]
بابا بیک چلبیانلو [illegible] حاجی علیقلو [illegible] در ثروت [illegible] نوشتن علی آقای [illegible] تشییع [illegible] میرزا حسین [illegible] خزانه [illegible]
یاری [illegible] آقا مجرب [illegible] نظامی [illegible] و در شکسته و نستعلیق میرزا عبدالله خان [illegible]
[illegible] در آرا [illegible] زبان و در تقریر فارسی [illegible] در قرائت و [illegible] که [illegible]

۱	شنبه	یک ساعت مانده [illegible] نوع [illegible] مشغول [illegible] / [illegible] نکردن [illegible]
۲	[illegible]	[illegible] چون در خانه عقرب است [illegible]
۳	[illegible]	هر شب [illegible] حرارت است
۴	[illegible]	یک ساعت [illegible] ورود [illegible] / [illegible]
۵	[illegible]	مانند [illegible] گذشته است
۶	[illegible]	یک ساعت [illegible] / [illegible] تغییر نمودن
۷	[illegible]	و در [illegible] دیوان آوردن
۸	[illegible]	[illegible] / [illegible]
۹	[illegible]	یک ساعت [illegible] / [illegible]
۱۰	[illegible]	و کوفت [illegible] از این ساعت [illegible]
۱۱	[illegible]	یک ساعت [illegible] / [illegible]
۱۲	[illegible]	یک ساعت [illegible] شاهنشاه اسلام / [illegible]
۱۳	[illegible]	[illegible] ناصرالدین شاه
۱۴	[illegible]	زمان [illegible] چو زلف [illegible]
۱۵	[illegible]	گذشت نوبت سعدی و حافظ شیراز [illegible] رسید روز غزل [illegible]

[illegible] نوشتن [illegible] که [illegible] مرحوم [illegible] خان [illegible] بنده [illegible]
چشم و خنجر [illegible] خونریزی ابرو [illegible] لب [illegible] خال [illegible] وصال [illegible] بیداری [illegible]
[illegible] پروانه [illegible] لاله [illegible] خال [illegible] جگر [illegible] شب [illegible]
[illegible] خواب [illegible] خواب [illegible] خواب [illegible] خواب [illegible] نرگس

[illegible]	۱۶	[illegible]
[illegible]	۱۷	اجازه خوردن [illegible] / زبان [illegible]
[illegible]	۱۸	[illegible] / حال [illegible]
[illegible]	۱۹	[illegible] / [illegible]
[illegible]	۲۰	[illegible]
[illegible]	۲۱	[illegible] / [illegible] ایران [illegible]
[illegible]	۲۲	[illegible] خانه‌زادان [illegible]
[illegible]	۲۳	[illegible] مرحوم [illegible]
[illegible]	۲۴	[illegible] مرحوم [illegible]
[illegible]	۲۵	[illegible] / [illegible]
[illegible]	۲۶	جناب [illegible]
[illegible]	۲۷	[illegible] عرض حال خانه‌زادان [illegible]
[illegible]	۲۸	[illegible]
[illegible]	۲۹	[illegible]
[illegible]	۳۰	[illegible] / [illegible] حضور [illegible]

هو العلیم الحکیم — اوضاع فلکی در پناه و عدالت [illegible] حساب [illegible]
کردی جناب [illegible] میرزا محمدحسین رئیس الکتاب [illegible] محمد حسینخان [illegible]
[illegible] میرزا محمدحسین [illegible]
[illegible] میرزا محمدحسین طبیب [illegible]
[illegible]

توضیح

[illegible] معروف [illegible] / [illegible]
[illegible] / [illegible] حاجب الدوله [illegible] حکایت کرد که [illegible]
[illegible] خوردم [illegible]
مرغ و [illegible] محمد حسینخان
گفت [illegible] از شعرای [illegible]
[illegible] عرض [illegible]
خود [illegible]
[illegible]
[illegible] جهت طعام [illegible]
گرفته [illegible]
[illegible] چشم [illegible] نسخه [illegible]
هر دو [illegible]

[illegible] میرزا احمد [illegible] حکاک [illegible]
[illegible] میرزا عبدالرحیم [illegible] شیرازی
[illegible]
[illegible]
[illegible] میرزا احمد حکاک [illegible] و السلام

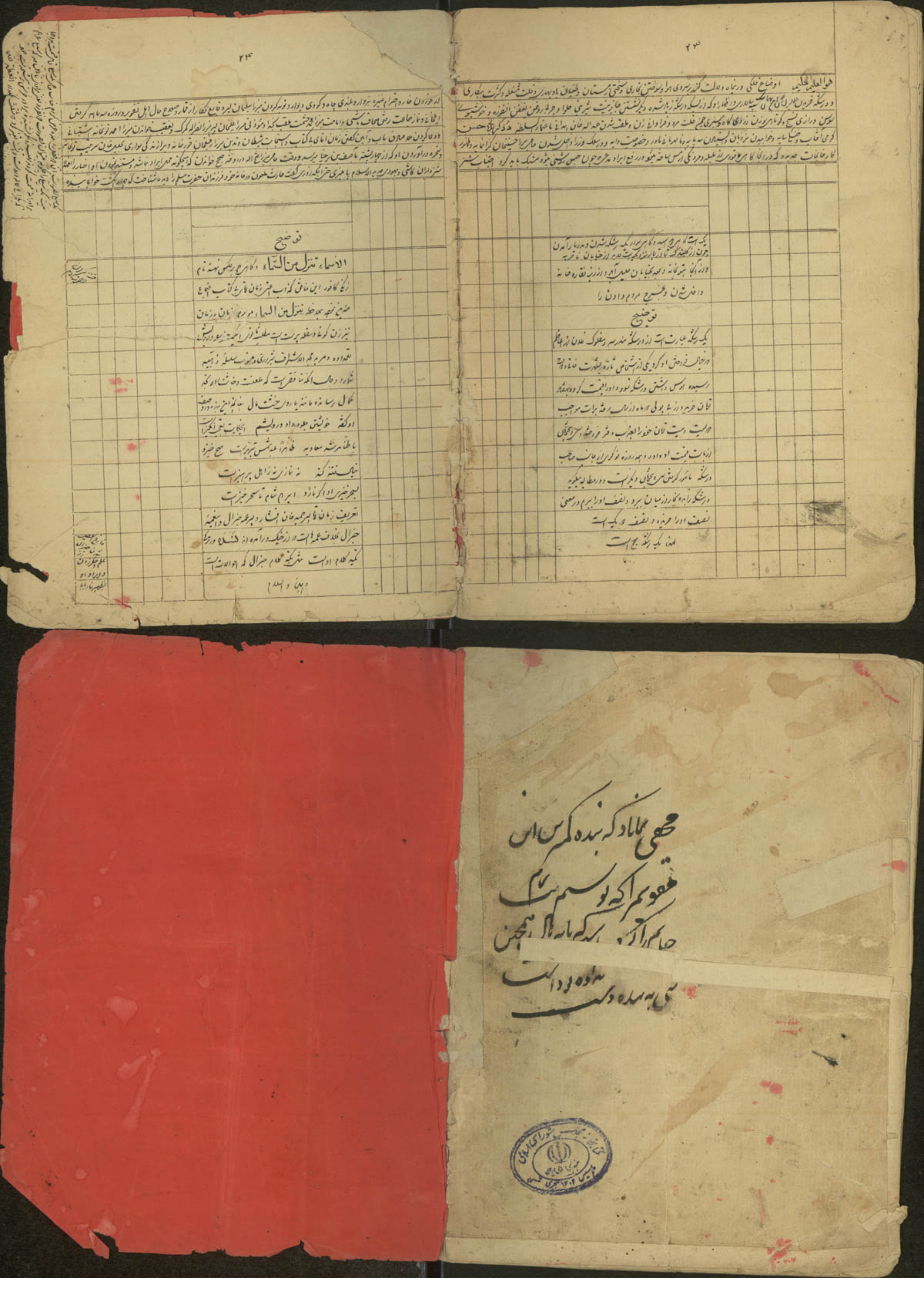
توضیح

چون [illegible] در طعام [illegible]
[illegible]
گرفته [illegible] این چه جرئت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شده

[illegible] میرزا احمد [illegible] / [illegible]

توضیح

[illegible] / [illegible] میرزا احمد [illegible] / [illegible]
[illegible] میرزا احمد جواب [illegible]
[illegible]
[illegible] میرزا احمد [illegible] جواب / [illegible]



هو العلیم الحکیم — اوضاع فلکی و رنباه و دلالت گنبد و سردی هوا و سوختن بخاری و سختی زمستان و اشتیاق باد بهاری و قلت شعله و کثرت بخاری
و در سکه فرمین حاری [illegible] سپه سالاری را اظهار او که از سکه در سکه زیاد شده و بر نشستن جا بر پشت شیرینی حلوا و چرب روغن نعلبکی انقوزه و خوشبوی
سوسن درازی شب و کوتاهی روز [illegible] زردی کاه و سبزی چمن قلت مرد و فراوانی زن و ملقب شدن عبدالله خان بهاءالدوله باعتبار السلطنه و ذکر [illegible] حسن
گرمی آفتاب و خنکی سایه و خوابیدن مرد بال و [illegible] بهار مادر و خصوصیت دایه و در سلک وزرا داخل شدن [illegible] گرانمایه و ظهور
کارخانجات جدیده که در آنجا [illegible] بلبله و در وزنی ارس ساخته میشود و در رفع ابراد [illegible] حبس [illegible] میشود مشک با به گرد احتساب شتر

یک بیت از سر [illegible] که [illegible] از یک رشته شدن و بهر بار آمدن
چون از [illegible] تا [illegible] از خیابان ناصریه
و از آنجا بتوپخانه و بعد بخیابان علاءالدوله و از رنگ نقاره خانه
داخل شدن و شروع مردم دادن را

توضیح

یک رشته عبارت است از در سلک مدرسه و مفلوک [illegible]
در خیال فرد دختی او گروکی از [illegible] تازه بشهرت خانه ادارت
رسیده هوس داشتن در سلک [illegible] و اوقیمت کرده [illegible]
تومان خریده و از [illegible] ماه از سال رشته برات مرحب
[illegible] دیت تومان حقوق [illegible] و [illegible]
از بابت قیمت او داده و بهر روزه نوکری از جانب صاحب
در سلک [illegible] دیگر است در وسط به میگوید
در سلک را به [illegible] از میان برد و نصف او را برم در معنی
نصف او را [illegible] نصف [illegible] است
لهذا یک رشته صحیح است

از خوردن [illegible] سبزه [illegible] چاه و کوی دیوار و توبه کردن میرزا سلیمان [illegible] حال اهل [illegible] دروازه سه ماهه گردش
[illegible] و نماز جماعت [illegible] باشی و امامت میرزا [illegible] ملقب [illegible] میرزا علیخان [illegible] و تعقیب خواندن میرزا احمد توپخانه [illegible]
[illegible] میرزا [illegible] زمان آقای [illegible] کتاب [illegible] قورخانه [illegible] خان سرتیپ [illegible]
[illegible] دو از آوردن او که از چهارشنبه تا [illegible] برسد و وقت [illegible] صحیح خواندن که [illegible] ابراد [illegible] و [illegible]
[illegible] کاشی و بهبودی [illegible] السلام با [illegible] روزی گفت عبارت ملعون در خانه خود فرزندان حضرت مسلم را دیده شناخت که چه [illegible] خواهد دیده

توضیح

الاسماء تنزل من السماء و کاهی [illegible] نام
[illegible] کافور این [illegible] که [illegible] زمان [illegible] کتاب [illegible]
[illegible] بملاحظه تنزل من السماء [illegible] زمان و زمان
[illegible] است [illegible]
[illegible] الاشراف [illegible] سلسله ذهبیه
[illegible] که ملعنت و خباثت او که
[illegible] حال [illegible]
او گفته [illegible] درویشم [illegible]
باطنا [illegible] معاویه ظاهرا [illegible] تبریز است [illegible]
[illegible] که [illegible] است
[illegible] ابراهیم شام تا سحر [illegible]
تعریف زمان [illegible] جنرال [illegible]
جنرال [illegible] است [illegible]
[illegible] کلام اوست [illegible] جنرال که [illegible] است
و هو [illegible] السلام

محفی نماند که بنده کمترین این
[illegible] که نوشتم [illegible]
[illegible] همچنین
[illegible]
[illegible] به بنده [illegible]